



مطالعه تطبیقی میزان انعکاس گزارش‌های تاریخی درباره فاطمه زهرا (علیها السلام) در صحاح سته و کتب اربعه

دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱

کاوس روحی برندق^۱ علی احمدی^۲

چکیده

حضرت فاطمه (علیها السلام) دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همسر امام علی (علیه السلام) و یکی از شخصیت‌های مورد توجه جهان اسلام است که سیر زندگانی ایشان، در کتب حدیثی اهل سنت و شیعه انعکاس داشته است. این مقاله، روایات دال بر تاریخ زندگانی ایشان طی زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صحاح سته و کتب اربعه را با رویکرد روایی تاریخی، پژوهش کرده و پس از تحلیل مستندات روایی تاریخی آنها، بعد از گردآوری و طبقه‌بندی کلیه داده‌های جامع آماری (نه به صورت گزینشی و نمونه‌گیری) به این سوال پاسخ داده که: دیدگاه هر کدام از نویسندگان کتب سته و اربعه درباره شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام) در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) چیست؟ سپس به این نتیجه دست یافته که الف. دیدگاه کلی محدثان اهل سنت با شیعه، در نوع گزارش‌های مربوط به زندگانی ایشان از جنبه فردی، خانوادگی و اجتماعی، متفاوت است؛ ب. بین محدثان اهل سنت نیز در بیان گزارش‌ها، تفاوت‌هایی وجود دارد که نشانگر دیدگاه متفاوت هر کدام از آنان است؛ ج. گزارش‌های تاریخی مجموع صحاح سته، نسبت به کتب اربعه بیشتر است. د. گزارش‌های کتب سته اهل سنت با برخی دیگر از صفات و فضایی که از حضرت زهرا (علیها السلام) نقل کرده‌اند، منافات دارد.

کلیدواژه‌ها: فاطمه (علیها السلام)، تاریخ زندگانی، صحاح سته، کتب اربعه.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس: k.roohi@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام) (نویسنده مسئول): aliahmady1355@yahoo.com

۱. طرح مسئله

شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام) که از زنان نمونه صدر اسلام است، توجه محدثان همه فرق جهان اسلام، به خصوص شیعه و اهل سنت را جلب کرده و هر کدام مبتنی بر مبانی خاص خود، از تاریخ زندگانی ایشان، روایت کرده‌اند. هر چند درباره این موضوع میان اهل سنت و شیعه، نه به صورت مستقل بلکه با دیگر اهل بیت (علیهم السلام) آثاری نگاشته شده، اما از آنجا که تاکنون در این حوزه خاص تحلیل و بررسی گزارش‌های تاریخی در کتب سته و اربعه اثری نگاشته نشده، بایسته است شخصیت ایشان به صورت تطبیقی، بررسی شود. از آنجا که کتب سته بین اهل سنت و کتب اربعه بین شیعه، از معتبرترین و نیز دست اول‌ترین منابع و مجامع حدیثی است، به عنوان منبع گزارش‌ها گزینش شد.

شناخت هر چه بیشتر دیدگاه صاحبان کتب سته و کتب اربعه با توجه به تاریخ زندگانی ایشان در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایجاب می‌کند به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱. دیدگاه هر کدام از نویسندگان کتب سته و اربعه درباره شخصیت ایشان در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) چیست؟

۲. گزارش‌های کلی (فردی، خانوادگی و اجتماعی) هر کدام چه مقدار منعکس شده است؟

۳. روایات فضایل و مناقب، با گزارش‌های سیره عملی ایشان، چه اندازه سازگاری دارد؟

۴. میزان موارد مشترک و تفاوت انعکاس گزارش‌ها درباره فاطمه زهرا (علیها السلام) در صحاح سته و اربعه از سوی کتب اربعه از سوی دیگر کدام است؟

این پژوهش، با ابزار کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها و روش تحلیل مضمون که از روش‌های کیفی در تحلیل داده‌هاست، به بررسی تطبیقی تاریخ زندگانی حضرت فاطمه (علیها السلام) از دیدگاه کتب سته و کتب اربعه پرداخته است. از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. به طور کلی تحلیل مضمون،

روشی است برای: دیدن متن؛ برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ تحلیل اطلاعات کیفی؛ مشاهده نظام‌مند؛ تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱). تحلیل مضمون در چهار قالب انجام می‌شود: قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای که در این مقاله، تحلیل مضمون در قالب چهارمین قالب (تحلیل مقایسه‌ای) انجام خواهد گرفت. در تعریف «تحلیل مقایسه‌ای» آمده است: با این روش، مضامین در منابع و افراد مختلف با هم مقایسه می‌شود. از آنجا که در تحلیل مضمون، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، همزمان است، هنگام جمع‌آوری اطلاعات، کدگذاری داده‌ها و یادداشت‌های پژوهشگر، از تحلیل مقایسه‌ای استفاده می‌شود. با این روش، داده‌های منابع مختلف، با یکدیگر مقایسه و تطبیق می‌شود تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناخته شود (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

درباره پیشینه این مبحث گفتنی است، هر چند کتاب‌ها و مقالات فراوانی راجع به سیره و تاریخ زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) نگاشته شده، اما رویکرد این مقاله، بررسی و تحلیل گزارش‌های تاریخی مربوط به ایشان با توجه به کتب سته و اربعه است که در این موضوع خاص، تاکنون اثری تدوین نشده است. البته مقالاتی شبیه این موضوع، به رشته تحریر درآمده که عبارت است از: «جایگاه حضرت فاطمه (علیها السلام) در منابع اهل تسنن» غروی نائینی (۱۳۸۷)؛ «تحلیل انتقادی مهریه معنوی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) رفعت (۱۳۹۹)؛ «فرانقش هدایت‌گری و سیره اجتماعی فاطمه (علیها السلام) درآمدی روش شناختی» الویری (۱۳۸۸)؛ «تحلیل انتقادی، مقایسه‌ای مواجهه اهل سنت و ابن تیمیه با فضایل فاطمه زهرا (علیها السلام) جلیلی و بوالحسنی (۱۳۹۸)،

درباره کتب سته و اربعه گفتنی است، صحاح سته، عنوان شش مجموعه بزرگ حدیثی اهل سنت است که نزد آنان، از اعتبار بسیار زیادی برخوردار است؛ هر چند صحیح بخاری و مسلم از دیگر کتب اهمیت بیشتری دارد؛ به گونه‌ای که پس از قرآن کریم، مهم‌ترین منابع دینی آنان به شمار می‌آید. دو عنوان از این کتب صحیح و چهار کتاب دیگر، سنن است، اما به همه آنها «صحاح» گفته می‌شود که عبارت است از: الجامع الصحیح بخاری و مسلم، سنن ابی داود، ابن ماجه، ترمذی و نسائی. کتب اربعه یا اصول اربعه، چهار کتاب حدیثی است که شیعیان

آن‌ها را معتبرترین منابع حدیثی خود می‌دانند که عبارت است از: الکافی نوشته کلینی، من لایحضره الفقیه از شیخ صدوق، تهذیب الاحکام و الإستبصار نوشته شیخ طوسی. در این مقاله ابتدا گزارش‌های تاریخی مربوط به حضرت فاطمه (علیها السلام) در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کتب سته و اربعه منعکس و سپس تحلیل و بررسی شده است.

۲. یافته‌های تحقیق؛ گزارش‌های تاریخی مربوط به حضرت زهرا (علیها السلام)

گزارش‌های تاریخی در سه بخش فردی، خانوادگی و اجتماعی تقسیم‌بندی شده است.

۲-۱. گزارش‌های فردی

بنابر روایت کلینی (م. ۳۲۹ ق.)، تولد ایشان در سال پنجم بعثت (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲: ۴۸۸) و بنابر نقلی دیگر، پس از بعثت بوده است (همان: ۴۳۶). درباره شکل و شمایل ظاهری ایشان، روایات گوناگونی از شباهت حضرت فاطمه (علیها السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کتب سته وارد شده است: شباهت در راه رفتن (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۶۲؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۹۰۶؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۱۳۱؛ نسائی: ۱۴۶؛ ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۹۶)؛ عایشه (م. ۵۸ ق.) در مجلسی که همه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند، به خداوند قسم یاد می‌کند که «طرز راه رفتن فاطمه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) تفاوتی نداشت.» (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰: ۷۶)؛ شباهت در هیئت، وقار، سیرت و حدیث و کلام (ابوداود، ج ۴: ۲۲۱۷)، شباهت در قیام و قعود (ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۵۱۳)، شباهت در اندام و هیکل (همان، ج ۴: ۱۲؛ نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۴: ۲۵۱) مشابهت در سخن گفتن و معاشرت (نسائی: ۳۹۲؛ ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۳۹۱) شباهت در خوش برخوردی، درستی و خوش محضری (همان، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۹۶). درباره عبادت ایشان آمده است: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شبی، به منزل ایشان رفت و از امام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) پرسید: «شما نماز (شب) نمی‌خوانید؟» امام فرمود: «نفس‌های ما دست خداوند است و چون بخواهد ما را بر خیزاند، برمی‌خیزاند.» پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که روی خود را برگردانده، می‌رفت، آیه «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (کهف، ۵۴) را تلاوت می‌کرد (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۲۹۰ و ۹۰۹؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۵۳۸؛ نسائی: ۱۹۰).

۱. آدمی، جدل پیشه‌تر از همه چیز است

درباره پوشش ایشان، بنا بر روایتی، فاطمه (علیها السلام) در برابر غلامی که به او بخشیده شده بود، لباسی پوشید که وقتی سرش را با آن می پوشاند، به پاهایش نمی رسید و وقتی پاهایش را می پوشاند، به سرش نمی رسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که تلاش ایشان برای پوشش خود را دید، فرمود: «اشکالی ندارد، او غلام توست.» (ابوداود، ج ۴: ۱۷۶۰). در حدیث دیگری، هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردن بند طلائی را که امام علی (علیه السلام) به ایشان هدیه داده بود دید، با اعتراض فرمود: «آیا خرسند می شوی که مردم تو را فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بشناسند، اما زنجیری از آتش در دستان تو باشد؟» سپس فاطمه (علیها السلام) آن را فروخت و با پول آن غلامی خرید و آزاد کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سپاس پروردگاری که فاطمه (علیها السلام) را از آتش رهانید.» (نسائی: ۵۲۵؛ ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۴۳۴) درباره پوشش حضرت فاطمه (علیها السلام) دو روایت در کتب اربعه آمده است: ۱. جابر بن عبدالله (م. ۶۸ ق. ۴) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستند وارد خانه ایشان شوند، اما ایشان خبر داد که پوششی بر سر ندارد. حضرت از او خواست با قسمت های اضافی ملحفه اش، سرش را بپوشاند. سپس وارد شدند (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱۱: ۲۱۴). ۲. مقنعه یا روسری کوچکی که هنگام نماز می پوشید، بیش از این نبود که موها و گوش های ایشان را بپوشاند (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۵۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۶۵).

درباره آگاهی ایشان از احکام شرعی، بنا بر روایتی، هنگامی که امام علی (علیه السلام) از یمن به مکه رسید، فاطمه (علیها السلام) را در میان کسانی دید که از احرام بیرون آمده اند در حالی که لباسی رنگین پوشیده و سر مه کشیده است. آن را بر او ناپسند دانست، ولی پس از پرسش از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانست که همسرش، به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) عمل کرده است (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۸۸۸؛ ابوداود، ج ۲: ۷۷۷ و ۸۲۰؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۴: ۵۱۶؛ نسائی: ۲۹۱ و ۲۹۴). این روایت، در کتب اربعه نیز با اندک اختلافی، بازتاب داشته است (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱: ۱۶۴؛ همان، ج ۸: ۱۷۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۳۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۴۵۶). درباره زیارت قبور، بنا بر روایتی، هر صبح شنبه به زیارت شهدای احد می رفت و کنار قبر حمزه (م. ۳ ق.) بر او ترحم و استغفار می کرد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۸۰؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۶۵).

۲-۲. گزارش‌های خانوادگی

بنا بر روایتی از بخاری، زنان رسول خدابه دو گروه تقسیم شده بودند: یک گروه عایشه، حفصه (م. ۴۵ ق.)، صفیه (م. ۵۰ ق.) و سوده (م. ۵۴، ۲۳ ق.؟) و گروه دیگر امسلمه (م. ۶۲ ق.) و دیگر همسران پیامبر (علیه السلام): مردم از دوستی پیامبر نسبت به عایشه باخبر بودند؛ بنابراین هدیه خود را هنگامی به ایشان می‌دادند که به خانه عایشه می‌رفت، اما گروه دوم از همسران بر این باور بودند که مردم برای هدیه دادن تا زمان حضور پیامبر در منزل عایشه صبر نکنند، بلکه هر جا که هست، هدیه خود را ببرند. امسلمه در این باره با پیامبر (علیه السلام) سخن گفت، اما آن حضرت سکوت کرد. با درخواست مجدد همسران، دوباره مطرح کرد، اما پیامبر باز هم سکوت کرد. بار سوم که طرح شد، پیامبر (علیه السلام) فرمود: «درباره عایشه مرا اذیت مکن، زیرا به من وحی نیامده در حالی که در جامه خواب زنی بوده باشم، به جز عایشه» امسلمه عذرخواهی و توبه کرد. با اصرار آنان، فاطمه (علیها السلام) واسطه شد و پیام آنان را این گونه به پیامبر (علیه السلام) رساند: «همانا زنان تو، تو را به خداوند قسم داده‌اند که درباره دختر ابوبکر (م. ۱۳ ق.) به عدالت رفتار کند.» در جواب فرمود: «دخترم! آیا آنچه را من دوست دارم، دوست نداری؟» حضرت تایید کرد و جواب را به آنان منتقل کرد و دوباره هم با اصرار آنان نرفت (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۳۱۷؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۸۹۱؛ نسائی: ۴۱۶). بنا بر روایت کلینی، هنگامی که امیرالمؤمنین با پیامبر در منزل همسرانش دیدار می‌کرد، همسرانش خلوت می‌کردند و فقط امام علی (علیه السلام) می‌ماند، اما هنگامی که در خانه فاطمه دیدار می‌کردند، فاطمه هم می‌ماند و نمی‌رفت (کافی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱: ۱۶۱).

درباره خواستگاری از حضرت فاطمه (علیها السلام) بنا بر روایتی، ابوبکر و عمر (م. ۲۳ ق.) از ایشان خواستگاری کردند، اما پیامبر (علیه السلام) به دلیل خردسالی او، به آن دو جواب نداد. سپس امام علی (علیه السلام) خواستگاری کرد و با موافقت ایشان، ازدواج کرد (نسائی: ۳۴۱). بنا بر گزارش کتب سته، جهیزیه ایشان، لباس عروس مخملی سفید، بالشی با محتوای گیاه خوشبوی «اذخر» و مشک (ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۵: ۵۸۳؛ نسائی: ۳۵۶)، تختی که با برگ درخت خرما بافته شده بود (نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۳: ۳۳۴) و بالشی از پوست که با لیف خرما پر

شده بود (همان، ج ۵: ۱۴۴). درباره مهریه ایشان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از امام علی (علیه السلام) خواست مهریه را پرداخت کند، اما چون پولی نداشت، فرمود تا سپرش را برای پرداخت مهریه، بفروشد (ابوداود، ج ۲: ۹۰۹؛ نسائی: ۳۵۶). در کتب اربعه، گزارش‌های متفاوتی درباره مهریه حضرت وارد شده است: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فاطمه (علیها السلام) را به یک زره آهنی که ارزش آن به ۳۰ درهم می‌رسید، تزویج کرد (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱۰: ۷۱۲؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۳۶۴) علاوه بر آن، یک زیرانداز پوستی و یک پیراهن کهنه از جنس برد نیز جزو مهریه ایشان شمرده شده است (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱: ۷۱۱). زیرانداز آن‌ها پوست قوچی بود که هنگام خواب آن را برمی‌گرداندند و در روی نرم آن می‌خوابیدند؛ زیراندازی که هم فرش آنان بود و هم رختخواب (همان: ۷۱۲). فاطمه (علیها السلام) درباره مهریه کم خود به پدر گلایه کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) جواب داد که او فاطمه را به ازدواج علی دریاورده، بلکه خدا این کار را کرده و مهریه او یک پنجم دنیا است تا مادامی که آسمان‌ها و زمین باشد (همان، ج ۱۰: ۷۱۴). بنا بر روایتی دیگر، تزویج فاطمه (علیها السلام) از آسمان بود (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۳۹۳). نیز هنگامی که عده‌ای از قریش پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به دلیل مهریه کم فاطمه (علیها السلام) سرزنش کردند، امر ازدواج ایشان را از طرف خداوند و در شب معراج دانست (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۴۰۱).

درباره شب زفاف، بنا بر روایتی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای امام علی (علیه السلام) دعا کرد و بر او آب پاشید. سپس به فاطمه (علیها السلام) فرمود: «شما را به ازدواج محبوب‌ترین افراد از اهل بیتم درآوردم»، و برایش دعا کرد و بر او هم آب پاشید. هنگام خروج از منزل، اسماء بنت عمیس (م. ۴۰ ق.) را دید و چون برای اکرام فاطمه (علیها السلام) در زفاف او شرکت کرده بود، برای او هم دعا کرد (نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۱۴۳). بنا بر روایت دیگری، پیامبر (صلی الله علیه و آله) سیاهه‌ای را دید و با بیان اینکه «یهودیان با سحر، مرد را از آمیزش با همسرش منع می‌کردند»، ظرف کوچکی آب خواست، سپس در آن آب دهان انداخت، دعای حفظ خواند، امام علی (علیه السلام) را فرا خواند و آن را بر صورت و سینه و دستان ایشان پاشید. سپس فاطمه را فرا خواند، در حالی که از شدت حیا، نزدیک بود در لباسش بیچد و به زمین بیفتد، بر ایشان نیز همان گونه آب پاشید و فرمود: «به خدا سوگند برای اینکه شما را به ازدواج بهترین اهل خود درآورم، کوتاهی نکردم» سپس برخاست و رفت (نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۱۴۴) بنا بر گزارش دیگری،

عایشه و ام‌سلمه مامور شدند فاطمه را برای شب عروسی آماده کنند. آن دو تاکید می‌کنند که عروسی‌ای بهتر از عروسی فاطمه (علیها السلام) ندیده‌اند (ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۳۵۰). در کتب اربعه، روایات متفاوتی دیده می‌شود: در شب زفاف، پیامبر (صلی الله علیه و آله) پارچه‌ای روی اسبش (شهباء) انداخت و از ایشان خواست سوار شود. سپس افسار اسب را به سلمان داد تا او را به خانه‌اش ببرد. در مسیر، پیامبر (صلی الله علیه و آله) جبرئیل و میکائیل، هر کدام با ۷۰ هزار ملک را دید و از آنان پرسید: «برای چه به زمین هبوط کرده‌اند؟» جواب دادند: «برای شرکت در مراسم عروسی فاطمه (علیها السلام)؛ سپس همه آنان همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) تکبیر گفتند. پس از آن، تکبیر گفتن در عروسی سنت شد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۴۰۱). فاطمه (علیها السلام) پس از ازدواج، گریه می‌کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) علت گریه را پرسید و این نکته را یادآوری کرد که اگر در اهلش شخصی بهتر از او (علی) بود، او را به ازدواج فاطمه درمی‌آورد؛ خدا او را به عقد علی درآورده است (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱۰: ۷۱۳).

هنگامی که فاطمه (علیها السلام) باخبر شد، امام علی (علیه السلام) از دختر ابوجهل (م. ۲۰ ق.) خواستگاری کرده، ناراحت شد و نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) گله و شکایت کرد. ایشان در خطبه‌ای، با یادآوری این جریان، فرمود: «فاطمة بضعة منی وانی أکره أن یسوءها؛ به خدا سوگند هرگز دختر رسول خدا با دختر دشمن خدا، جمع نمی‌شود.» بنابراین امام علی (علیه السلام) منصرف شد (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۵: ۲۰۸). این گزارش، با عبارتهای دیگری نیز در صحیح بخاری آمده است: «مگر آن که پسر ابوطالب (م. ۱۰ بعثت) دختر من را طلاق بدهد و دختر ایشان را به ازدواج خود درآورد؛ زیرا هی بضعة منی، یربینی ما أربابها و يؤذونی ما أذاها» (همان، ج ۸: ۱۹۹) و «بنی مغیره، از من اجازه خواستند تا دختر خویش را به ازدواج علی درآورند، پس من اجازه نمی‌دهم.» (همان) و «إن فاطمة منی و أنا أتخوف أن تفتن فی دینها» (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۵: ۲۰۸؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۹۰۳ و ج ۳: ۱۴۱۸) دیگر صحاح سته به جز نسائی، این جریان را نقل کرده‌اند (ابوداود، ج ۲: ۸۸۵؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۴۱۳؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۵۱۱). بنا بر روایتی که حاکی از اختلاف بین امام علی (علیه السلام) و ایشان است، روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منزل ایشان رفت، ولی پسر عمویش را آنجا ندید. از دخترش پرسید، فرمود: «بین من و او چیزی واقع شد و او بر من غضب

کرد و از خانه خارج شد.» پیامبر ﷺ ایشان را در مسجد دید، در حالی که خوابیده بود، ردایش از دوشش افتاده و خاک آلود شده بود. خاک از او زدود و دو بار فرمود: «برخیز ابوتراب» (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۲۹۸؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۸۷۵).

در روایتی، درباره استفاده از تجملات و تشریفات در منزل ایشان آمده است: پیامبر ﷺ خواست وارد خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) شود، ولی به دلیل نصب پرده خطاری بر در خانه، وارد نشد. فاطمه (علیها السلام) به دستور پدر، پرده را به شخصی داد که خانواده‌اش بدان نیاز داشت (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۳۳۷؛ ابوداود، ج ۳: ۱۶۲۰ و ج ۴: ۱۷۷۵؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۵: ۶۸). تفصیل این گزارش، این گونه آمده است: هرگاه رسول خدا به مسافرت می‌رفت، از آخرین کسی از اهل بیتش که وداع می‌کرد، فاطمه بود و هرگاه بازمی‌گشت، با اولین کسی که دیدار می‌کرد، فاطمه بود. پس از بازگشت پیامبر از یکی از جنگ‌ها، هنگامی که بر در خانه فاطمه رسید، دید که پرده‌ای بر در خانه آویزان شده و حسن و حسین دست‌بندهای نقره به دست دارند. وارد خانه نشد و برگشت. فاطمه پرده را باز کرد و دو دست‌بند را گرفت و آن‌ها را به حسن و حسین داد که به پیامبر برسانند. آن دو گریان نزد پیامبر رفتند. اشیا را گرفت، به ثوبان داد تا به فقرا برساند و فرمود: این‌ها اهل بیت من اند اگره دارم که از طیبات دنیا استفاده کنند. برای فاطمه یک گردن‌بند از جنس درختچه یمنی و دو دست‌بند از عاج خریداری کن (ابوداود، ج ۴: ۱۸۰۰).

از دیگر گزارش‌های خانوادگی مربوط به حضرت زهرا (علیها السلام)، درخواست خدمتکار از پیامبر ﷺ برای انجام کارهای منزل است. ایشان که از آرد کردن با دستاس خسته شده بود، باخبر شد اسیرانی را نزد پیامبر ﷺ آورده‌اند. نزد ایشان رفت تا کنیزی بخواهد، اما چون نتوانست بگوید، خواسته‌اش را به واسطه عایشه به ایشان رساند. پیامبر ﷺ دختر و دامادش را به چیزی بهتر از آنچه خواسته‌اند (تسبیحات اربعه؛ ۳۴ بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمدلله و ۳۳ بار سبحان الله) راهنمایی کرد (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۵: ۲۰۹؛ همان، ج ۶: ۱۱۶؛ ج ۹: ۱۲؛ ج ۱۰: ۹۰؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۲۰۹۱ و ۲۰۹۲؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۵: ۳۰۴؛ نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۳۷۳). در روایت دیگری، آنان را به خواندن دعای «اللهم! رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ...» (مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۲۰۸۴) و خواندن دعایی دیگر، توصیه

کرد (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۳۴۱ و ۳۵۶؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۳۹۵). در روایتی متفاوت، فاطمه (علیها السلام) برای دریافت غلامی نزد پدر رفت، اما ایشان، اولویت دریافت غلام را با یتیمان بدر دانست و آنان را به عملی بهتر (تسبیحات اربعه) راهنمایی کرد (ابوداود، ج ۳: ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸؛ همان، ج ۴: ۲۱۵۶). گزارشی درخواست خدمتکار از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کتب سته بازتاب داشته و جزو معدود گزارش‌هایی است که در کتب اربعه نیز درباره آن، روایت شده است. بنا بر گزارشی، حضرت به تنهایی از چاه آب می کشید، در مشک می ریخت، به دوش می گرفت و به خانه می آورد؛ چنان که بند مشک، سینه او را مجروح کرده بود. همچنین با آسیاب گندم را آرد می کرد، به حدی که دست‌هایش تاول زده بود. آن قدر خانه را جارو کرده بود که جامه‌اش خاک آلود شده بود. آن قدر آتش زیر دیگ روشن کرده بود که لباس‌هایش کثیف شده بود و از این همه کار، آسیب فراوان به او رسیده بود. به پیشنهاد امام علی (علیه السلام)، نزد پدر رفت و چون جمعی مشغول صحبت بودند، خواسته‌اش را نگفت. فردای آن روز، در حالی که امام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) هر دوی یک ملحفه، دراز کشیده بودند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد خانه آنان شد و با اجازه آنان، وارد اتاق شد و آنان را به امری (گفتن تسبیحات اربعه هنگام خواب) بهتر از خدمتکار، رهنمون ساخت. ایشان هم راضی شدند (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۲۱). بنا بر روایت دیگری که از تقسیم کار بین آن دو خبر می دهد، امیر مؤمنان (علیه السلام) هیزم تهیه می کرد، آب از چاه می کشید و جاروب می کرد و حضرت فاطمه (علیها السلام) آسیاب و خمیر می کرد و نان می پخت (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۹: ۵۶۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۶۹).

سرنوشت دینار گمشده نیز از مسائل مربوط با خانواده حضرت است، به طوری که امام علی (علیه السلام) دیناری یافت و آن را به فاطمه (علیها السلام) داد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دخترش درباره آن پرسید که ایشان آن را رزق خداوند دانست. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) از آن خوردند. پس از مدتی، زنی، سراغ دینارش را گرفت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) دستور داد تا آن را پرداخت کند (ابوداود، ج ۲: ۷۴۲). بنا بر روایت دیگری، امام علی (علیه السلام) وارد منزل شد و حسن و حسین را به دلیل گرسنگی، گریان دید. از منزل خارج شد، دیناری یافت، به خانه برگشت و به توصیه همسرش، نزد یک یهودی رفت تا آرد بخرد. او تا حضرت را شناخت، دینار را

پس داد و آرد را هدیه کرد. امام به منزل برگشت و دوباره به توصیه ایشان، نزد قصابی رفت تا یک درهم گوشت بخرد. دینار را به رهن نزد او گذاشت و یک درهم گوشت خرید و برگشت. فاطمه (علیها السلام) پس از پخت نان و تهیه غذا، از پدرش خواست با هم غذا بخورند و همه از آن خورند. سپس غلامی دینارش را خواست. امام علی (علیه السلام) به توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزد قصاب رفت و از جانب ایشان، درهمش را برعهده گرفت، دینار را پس گرفت و به غلام برگرداند (همان: ۷۴۳).

درباره دیدار حضرت فاطمه (علیها السلام) در روزهای پایانی عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بیان مطلبی خصوصی در گوش ایشان، روایات متفاوتی در کتب سته ذکر شده است: ۱. ابتدا پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطلبی در گوش او گفت که گریه کرد؛ سپس مطلبی گفت که خندید. عایشه از آن راز پرسید، اما وی، سر رسول الله را فاش نکرد (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۶۲). ۲. دلیل گریه، خبر نزدیکی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ملحق شدن فاطمه به عنوان اولین اهل بیت او و دلیل خنده، خبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره برتری فاطمه (علیها السلام) بر زنان بهشت یا زنان مومن (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۶۳؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۹۰۶؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۱۳۱) یا بر زنان این امت (نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۱۴۶) بیان شده است. ۳. دلیل گریه، خبر نزدیکی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دلیل خنده، خبر ایشان درباره برتری فاطمه (علیها السلام) بر زنان مومن یا زنان این امت (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰: ۷۶؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۹۰۵) یا زنان همه عالم (نسائی، ۱۴۷) یا برتری فاطمه (علیها السلام) بر زنان بهشت غیر از مریم، بیان شده است (ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۵۲۰ و ۵۱۳؛ نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۱۴۵ و ۹۶ و ۹۵). ۴. دلیل گریه، اطلاع دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نزدیکی مرگ خویش و دلیل خنده، ملحق شدنش به عنوان اولین اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ایشان بیان شده است (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۱۲۱ و ۶۳؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۹۰۴؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۵۱۳؛ نسائی، بی تا، ج ۵: ۹۶، ۳۹۲). ۵. تنها به گریه فاطمه (علیها السلام) و دلیل آن (خبر نزدیکی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله)) تصریح شده است (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۶۳). بنا بر روایتی شیعی، هنگام وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) فاطمه (علیها السلام) بی تابی کرد و فرمود: «وَأَكْرَبُ أَبَاءَ» که در جواب شنید: «لَيْسَ عَلَى أَبِيكَ كَرْبٌ بَعْدَ الْيَوْمِ» و پس از مرگ ایشان، فرمود: «يَا أَبَتَاهُ، أَجَابَ رَبًّا دَعَاهُ، يَا أَبَتَاهُ، مَنْ جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ مَأْوَاهُ، يَا أَبَتَاهُ، إِلَى جَبْرِيلَ نَعَّاهُ» و

هنگامی که دفن شد، به انس فرمود: «ای انس! چگونه راضی شدید خاک بر روی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بریزید؟» (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۷: ۱۰۵). بنا بر گزارش دیگری، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «لَا كَرْبَ عَلَى أَيْبِكَ بَعْدَ الْيَوْمِ، إِنَّهُ قَدْ حَصَرَ مِنْ أَيْبِكَ مَا لَيْسَ بِتَارِكٍ مِنْهُ أَحَدًا، الْمَوْفَاةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۱۳۸) بنا بر روایت نسائی، هم گریه کرد و هم فرمود: «يَا أَبْتَاهُ مِنْ رَبِّهِ مَا أَذْنَاهُ يَا أَبْتَاهُ إِلَى جِبْرِيلَ نُنْعَاهُ يَا أَبْتَاهُ جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ مَأْوَاهُ» (نسائی: ۲۱۱) بنا بر گزارشی که کلینی نقل کرده، پس از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) زنان بنی هاشم، ایشان را در نوحه و ندبه، همراهی می کردند. حضرت به آنان فرمود: «اتْرُكْنَ التَّعْدَادَ، وَ عَلَيْكُنَّ بِالذُّعَاءِ»^۱ (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۵: ۵۴۵). بنا بر منابع شیعه، هنگامی که خواست وصیت بنگارد، جبرئیل امر کرد که جز وصی تو همگی خارج شوند. سپس به امر پیامبر همگی رفتند جز علی و فاطمه که بین پرده و در بود (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱: ۷۰۳). پس از اتمام وصیت، پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فاطمه حسن و حسین را صدا زد و هر آنچه به امام علی گفته بود، گفت و وصیت نامه خود را مهر زد و به علی داد (همان: ۷۰۶). پس از وفات پیامبر، حزن شدیدی وجود فاطمه را فرا گرفت. جبرئیل او را دلداری می داد (همان، ج ۴: ۵۹۹).

گزارش‌های خانوادگی در کتب سته بازتاب نداشته، ولی در کتب اربعه آمده: ۱. حضرت فاطمه (علیها السلام) و عده‌ای از زنان، در تشییع جنازه و نماز خواهرش رقیه (م. ق ۲). حاضر شدند (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۵: ۶۲۲). در گزارش دیگری به جای رقیه، زینب (م. ق ۸). آمده و حضرت فاطمه (علیها السلام) تنها در نماز او شرکت داشته است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۳۳۳؛ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۸۵). همچنین هنگام دفن رقیه، کنار قبر ایستاد و چنان گریه کرد که اشک‌های چشم او در قبر ریخت و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که ایستاده بود، دعا می کرد و اشک‌های ایشان را با لباس خود پاک می کرد (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۵: ۵۹۴). ۲. پس از شهادت جعفر بن ابی طالب (م. ق ۸)، پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه (علیها السلام) را از ندبه و نوحه بر حذر داشت؛ هر چند تاکید کرد هر آنچه گفته، حق است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۷۶). همچنین بنا بر دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تا سه روز غذا پخت و برای اسماء بنت عمیس، همسر جعفر برد و به او تسلیت گفت. پس از این جریان، غذا پختن و بردن آن برای اهل مصیبت تا

۱. تعداد را ترک و دعا کنید. (تعداد یعنی شمردن مفاخر و مکارم و ذکر مطالبی که شبیه به شکایت است)

سه روز، سنت شد (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۵: ۵۴۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۸۳۱). ۳. پس از تصرف سرزمین فدک که بدون لشکرکشی انجام گرفت و نزول آیه «وَآتَ الدَّالُّقُزْبِی حَقَّهُ» (الاسراء، ۲۶)، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دستور خداوند، فدک را به فاطمه (علیها السلام) واگذار کرد و تا حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در اختیار ایشان بود (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲: ۷۲۵؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۴۹). ۴. فاطمه (علیها السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از بعضی امور گلایه داشت. حضرت قطعه‌ای از یک صحیفه به او داد و از او خواست آن را یاد بگیرد (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۴: ۷۵۸). ۵. هنگامی که امام حسین (علیها السلام) را باردار بود، جبرئیل پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از شهادت وی توسط امتش باخبر کرد. در نتیجه، بر حمل و وضع حملش کراهت داشت. بنا بر فرمایش امام صادق (علیها السلام): «در دنیا مادری دیده نشده که برای به دنیا آوردن پسرش، کراهت داشته باشد؛ اما او کراهت داشت؛ زیرا می‌دانست که فرزندش کشته خواهد شد. شان نزول آیه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» همین است.» (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲: ۵۰۶). پس از تولد امام حسن و حسین (علیهم السلام)، فاطمه (علیها السلام) هر دورا تراشید و برابر موهایی آن، نقره صدقه داد (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱۱: ۳۸۸، ۴۰۶، ۴۰۷) و آن دورا عقیقه کرد (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱۱: ۴۰۵). درحالی که روزه بود، غذا را برای آن دو می‌جوید (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۷: ۵۱۲). در گزارش دیگری، بر باردار شدن بر امام حسین (علیها السلام) کراهت داشت؛ زیرا می‌دانست که امام حسین (علیها السلام) به شهادت خواهد رسید. این روایت، با روایت دیگری که بلافاصله پس از این حدیث گزارش شده، توضیح و تفسیر می‌شود که جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد و بشارت داد به تولد فرزندی از فاطمه (علیها السلام) که امتش پس از او، وی را خواهند کشت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جبریل فرمود که نیازی به مولودی از فاطمه (علیها السلام) که امتش پس از او وی را بکشند، ندارد. خداوند از طریق جبرئیل دوباره پیام آورد که امامت، ولایت و وصایت را در ذریه او قرار خواهیم داد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام رضایت کرد و به فاطمه (علیها السلام) بر تولد مولودی که امتش او را خواهند کشت، بشارت داد، اما فاطمه (علیها السلام) نیز ابراز ناخرسندی کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایشان را به ادامه امامت، ولایت و وصایت از نسل او بشارت داد و فاطمه (علیها السلام) هم راضی شد (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۷: ۵۰۷)؛ بنابراین، هرچند ابتدا بر حمل امام حسین (علیها السلام) کراهت داشت، اما پس از اینکه باخبر شد امامت و ولایت از نسل

ایشان است، با رضایت پذیرفت.

۲-۳. گزارش‌های اجتماعی

۱. در اوایل بعثت، هنگام سجده نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی از یاران ابوجهل، زهدان شتری بر پشت ایشان گذاشت. او همچنان در سجده بود و آنان می‌خندیدند و از شدت خنده، بر روی همدیگر می‌افتادند تا آنکه فاطمه (علیها السلام) آمد و آن را به کناری افکند. آن‌گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) سر برداشت و آنان را نفرین کرد (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۷۴ و ج ۵: ۱۱۰ و ۲۵۷ و ج ۶: ۱۷۸). بنا بر نقل دیگری، رهگذری فاطمه (علیها السلام) را باخبر کرد و او که دختری خردسال بود دوید، آن را برداشت و آنان را دشنام داد (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۳۴۰؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۱۴۱۸-۱۴۲۰؛ نسائی: ۴۸؛ ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۲۰۳). ۲. در جنگ احد نیز زمانی که سپر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر سرش خرد شد، رخسارش خون‌آلود شد و یکی از دندان‌هایش شکست، امام علی (علیه السلام) با سپرش آب آورد و فاطمه (علیها السلام) خون صورت ایشان را شست. سپس بوریایی را سوزاندند و با آن، جای زخم را پر کردند (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۷۷؛ همان، ج ۵: ۱۶۳ و ۱۰۰ و ۹۶، ج ۸: ۲۰۶؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۱۴۱۶؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۱۳۶ و ۱۳۵؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۱۷۰؛ نسائی، ۱۴۱۳ ق، ج ۵: ۳۹۱). ۳. فاطمه (علیها السلام) برای تسلیت گفتن به خانواده‌ای، پس از مرگ یکی از اعضایش، به منزل آنان رفته بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایشان را از تشییع جنازه نهی کرد و ایشان هم پذیرفت (ابوداود، ج ۳: ۱۳۶۴؛ نسائی: ۲۱۴).

۳. تحلیل یافته‌ها

با توجه به اینکه ارتباط یک شخص به صورت کلی از سه حال (فردی، خانوادگی و اجتماعی) خارج نیست، کلیه گزارش‌های مربوط به حضرت زهرا (علیها السلام) در این سه بخش تحلیل و بررسی خواهد شد.

۳-۱. گزارش‌های فردی

در کتب سته، روایتی از سال تولد حضرت زهرا (علیها السلام) ذکر نشده، اما این دیدگاه، با نظر قول مشهور اهل سنت (تولد ایشان پنج سال قبل از بعثت) متفاوت است. درباره روایات شباهت حضرت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتنی است، بیان شباهت‌های متعدد بین ایشان و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کتب سته، نسبت به دیگر موضوعات مرتبط با ایشان، بازتاب زیادی داشته و در مجموع، به هشت شباهت بین ایشان و پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصریح شده است: شباهت در راه رفتن (بخاری (م. ۲۵۶ ق.)، مسلم (م. ۲۶۱ ق.)، ابن ماجه (م. ۲۷۳ ق.) و نسائی (م. ۳۰۳ ق.)؛ شباهت در هیئت، وقار، سیرت و سخنوری (أبوداود (م. ۲۷۵ ق.)، ترمذی (م. ۲۷۹ ق.)؛ شباهت در قیام و قعود (ترمذی)؛ شباهت در اندام و هیکل (ترمذی و نسائی)؛ شباهت در سخنوری و معاشرت (خوش‌برخوردی) (نسائی). توضیح آن که اولاً بخاری و مسلم، تنها روایات مربوط به شباهت در راه رفتن را ذکر کرده‌اند، اما دیگران به شباهت در امور دیگر هم تصریح کرده‌اند. هیچ‌کدام از این روایات که سند اکثر آن‌ها به عایشه می‌رسد، در کتب اربعه شیعه بازتابی نداشته است.

درباره سیره عبادی ایشان که منعکس شده بود، امام علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) نسبت به نماز شب، بی‌توجه بوده‌اند. براین‌د آن روایت، با توجه به اینکه پیامبر گرامی اسلام آیه «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»^۱ (کهف، ۵۴) را تلاوت کردند، نشانگر جدال امام علی (علیه السلام) با پیامبر است. علاوه بر مفاد کلی روایت حتی با فضایل امام علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) که در منابع اهل سنت نقل شده، منافات دارد.

درباره پوشش ایشان، روایت اول کتب سته، بر عدم پوشش کامل حضرت دلالت در برابر غلامش داشت (أبوداود، ج ۴: ۱۷۶۰) که محل بحث و مناقشه است که اولاً، مشهور است که حضرت زهرا (علیها السلام) کنیز داشته و نه غلام؛ ثانیاً، در صورتی که غلام داشته، موظف به پوشش کامل در مقابل او بوده است؛ بنابراین این روایت، با دیگر روایات پوشش و حجاب حضرت زهرا و نیز با مقام قدسی ایشان، منافات دارد. و روایت دوم نکوهش آن

۱. آدمی، جدل پیشه‌تر از همه چیز است.

حضرت در استفاده از گردن‌بند طلاست در حالی که اگر هدیه امام علی (علیه السلام) بوده که بر ایشان حلال بوده است. اگر منظور حضرت این بوده که چون تو دختر پیامبری نباید بیوشی، نتیجه‌اش این می‌شود که امام علی (علیه السلام) به این مطلب توجه نداشته و در حالی که می‌دانسته فاطمه زهرا دختر پیامبر است، آن گردن‌بند را به ایشان هدیه داده است. در هر صورت نقصی بر حضرت زهرا (علیها السلام) یا امام علی (علیه السلام) است. در مقابل این دسته روایات اهل سنت، بنا بر روایت اول کتب اربعه، پوشش ایشان در مقابل نامحرم، کامل بوده است. درباره زیارت قبور در کتب سته روایتی منعکس نشده، اما بنا بر روایتی از کتب اربعه، هر صبح شنبه به زیارت شهدای اُحد می‌رفت و بر عمویش حمزه، ترحم و استغفار می‌کرد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۸۰۱؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۶۵). این روایت، در کتب سته، انعکاسی نداشته اما حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ ق.) با سلسله سند خود، به نقل از امام حسین (علیه السلام) نقل کرده که حضرت روزهای جمعه قبر عمویش حمزه را زیارت می‌کرد و کنار قبر نماز می‌خواند و گریه می‌کرد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۵۳۳).

۲-۳. گزارش‌های خانوادگی

درباره حدیث واسطه‌گری حضرت فاطمه (علیها السلام) بین برخی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ایشان گفتنی است اولاً یکی از فضایل عایشه به شمار می‌رود که روای آن خودش است و مبالغه در مدح اوست؛ ثانیاً بر دو حزب بودن همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رقابت بین آنان برای قرب بیشتر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصریح دارد؛ ثالثاً نکوهش ام سلمه است، زیرا دانست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مطرح شدن این بحث ناراحت می‌شود ولی خودش که سه بار اصرار کرد و سپس حضرت زهرا (علیها السلام) را واسطه قرار داد. رابعاً این جمله که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره دختر ابوبکر به عدالت رفتار کند، خلاف عدالت‌ورزی پیامبر است. به عبارت دیگر، اعتراض زنان در صورتی درست است که بپذیریم پیامبر اهل رعایت عدالت بین زنان نبوده که در آن صورت، خلاف عصمت ایشان خواهد بود.

جریان خواستگاری خلیفه اول و دوم را که تنها نسائی نقل کرده، بیان یکی از فضایل امام علی (علیه السلام) است؛ زیرا بر خلاف خلیفه اول و دوم، به دامادی پیامبر (صلی الله علیه و آله) مفتخر شد. در

مقابل، نکوهش آنان است؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست آن دو را به دلیل صغر سن حضرت نپذیرفت، اما درخواست امام را پذیرفت. از عبارت نسائی برمی آید که درخواست امام پس از درخواست دو خلیفه بوده است: «حَطَبَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَاطِمَةَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهَا صَغِيرَةٌ فَحَطَبَهَا عَلَيَّ فَرَزَّوَجَهَا مِنْهُ» (نسائی: ۳۴۱) این گزارش، در کتب اربعه نیامده است.

درباره گلایه حضرت فاطمه (علیها السلام) از مهریه کم خود (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ۷۱۴) گفتنی است که این روایت محل بحث است به ویژه آنکه حدیث مرسل است و هویت راوی اصلی که این حدیث را از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده، مشخص نیست: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (همان).

درباره مراسم عروسی، نسائی و ابن ماجه، گزارش مفصلی نقل می کنند که در دیگر صحاح نیامده و بیشتر جنبه مناقبتی و فضایی دارد. روایت دوم نسائی نشانگر آن است که از دید پیامبر (صلی الله علیه و آله) امکان سحر وجود دارد و به همین دلیل، دعای حفظ را برای آنان خوانده اند.

گزارش خواستگاری امام علی (علیه السلام) از دختر ابوجهل و ناراحتی ایشان، یکی از گزارش های چالشی بین شیعه و سنی است که مورد قبول عالمان شیعه قرار نگرفته و نقدهایی بر آن وارد شده است؛ از جمله: ۱. همه اسناد این روایت در کتب سته، به مسور بن مخرمه (م. ۶۴ق.) می رسد که در علم رجال، جایگاه مناسبی ندارد. او با خوارج رابطه خوبی داشته و آنان او را از خودشان می دانستند (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۳۹۱). همچنین از طرفداران بنی امیه بود و هروقت نام معاویه (م. ۶۰ق.) را می شنید، بر او درود می فرستاد (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۲۴۶). ۲. تناسب نداشتن بین سن مسور و وقوع این واقعه؛ زیرا سن او حداکثر ۸ سال بوده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۱۱۹۶). ۳. مخالف صریح آیه سوم سوره نساء، مبنی بر جواز تعدد زوجات است. دو گزارش بعدی هم به نوعی نکوهش شخصیت و جایگاه حضرت زهرا (علیها السلام) است. بنا بر اولین گزارش، کاری کرد که شوهرش بر او عصبانی و از منزل خارج شد. دومین گزارش هم نشانگر ناراحتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ایشان، به دلیل نصب پرده ای زینتی است.

گزارش حضور ایشان در آخرین لحظات عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بازتاب پررنگی در کتب سته داشته، هرچند در یک زمان واقع شده، اما دلیل گریه و خنده ایشان متفاوت ذکر شده است. بر اساس مجموع گزارش‌ها دلیل گریه، خبر نزدیکی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ملحق شدن ایشان به عنوان اولین اهل بیت اوبه ایشان و دلیل خنده، خبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر برتری فاطمه (علیها السلام) بر زنان بهشت (مطلق یا غیر از مریم) یا زنان مومن یا زنان این امت و ملحق شدن حضرت فاطمه (علیها السلام) به عنوان اولین اهل بیت بیان شده است؛ بنابراین ملحق شدن ایشان به عنوان اولین اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک جا به عنوان دلیل گریه و در جایی دیگر به عنوان دلیل خنده آورده شده که دلیلی است بر تناقض بین دو روایت. مطلب بعدی آنکه از مجموع این گزارش و گزارش بعدی (در سوگ پدر)، چنین برداشت می‌شود که ایشان در تمام مراحل مرگ و دفن پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضور داشته است.

در دو گزارش پایانی خانوادگی، به حضور در تشییع جنازه و نماز میت خواهرش رقیه تصریح می‌شود؛ مطلبی که با گزارش عرض تسلیت به بازماندگان در قسمت کتب سته که پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایشان را از حضور در تشییع جنازه نهی کرد و ایشان هم پذیرفت، منافات دارد. همچنین بنا بر آخرین حدیث کتب اربعه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فدک را بنا بر دستور خداوند به ایشان واگذار کرد در حالی که در کتب سته نه تنها به این گزارش هیچ اشاره‌ای نشده بلکه فدک صدقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانسته شده که از آن عموم مسلمانان است.

۳-۳. گزارش‌های اجتماعی

گزارش یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسط حضرت زهرا (علیها السلام) در اوایل بعثت، با قول مشهور اهل سنت مبنی بر تولد ایشان قبل از بعثت (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۸: ۲۶) هماهنگ است، اما بنا بر نقل مشهور شیعه که تولد ایشان را دوم (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۵۶) یا پنجم بعثت (کلینی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲: ۴۸۸) می‌داند، سازگار نیست؛ زیرا در متن این روایت تصریح شده که ایشان در اوایل بعثت دختری خردسال بوده است؛ بنابراین، طبیعی است که این گزارش در کتب اربعه وارد نشده باشد. هرچند در کتاب‌های تاریخی دست اول نیز بازتاب کمی داشته و تنها واقدی به آن تصریح کرده است (واقدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۲۴۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتیجه این پژوهش آنکه تاریخ زندگانی حضرت فاطمه (علیها السلام) در هر دو مجموعه، به صورت متفاوت بازتاب داشته است. (جدول ۱) از مجموع ۱۹ موضوع انعکاس یافته درباره زندگی آن حضرت در کتب سته اهل سنت، بخاری ۱۱، مسلم ۱۰، ابوداود ۹، ابن ماجه ۷، ترمذی ۵ و نسائی ۱۴ مورد را گزارش کرده (نمودار ۱)؛ بنابراین، نسائی بیشترین و ترمذی کمترین موضوعات مربوط به تاریخ زندگانی آن حضرت را گزارش کرده‌اند. این آمار نشانگر علاقه بیشتر نسائی به انعکاس زندگانی آن حضرت است که تالیف کتابی درباره فضایل آن حضرت از سوی نسائی، این سخن را تایید می‌کند. همچنین از مجموع ۱۷ موضوع مربوط به زندگانی آن حضرت در کتب اربعه شیعه، کلینی ۱۵، ابن بابویه ۶ و طوسی ۶ (نمودار ۱) را گزارش کرده‌اند که کلینی با اختلاف زیادی با دیگران قرار دارد. در مجموع، از بین محدثان بزرگ اهل سنت نسائی و از بین محدثان بزرگ شیعه کلینی، بیشترین موضوعات مربوط به گزارش‌های تاریخی حضرت فاطمه (علیها السلام) را منعکس کرده‌اند.

درباره موضوعات کلی (فردی، خانوادگی و اجتماعی)، از ۲۰ گزارش منعکس شده در کتب سته، ۵ گزارش فردی، ۱۲ گزارش خانوادگی و ۳ گزارش اجتماعی است. در کتب اربعه بین ۱۷ گزارش، ۵ گزارش فردی و ۱۲ گزارش، خانوادگی است. (جدول ۲)؛ بنابراین در اصلی‌ترین کتاب‌های حدیثی فریقین، گزارش‌های مربوط به خانواده بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند (۶۰٪) (نمودار ۲) و گزارش‌های اجتماعی در کتب اربعه که بازتابی نداشته و در کتب سته، کمترین سهم را به خود اختصاص داده است.

اما با توجه به موضوعات تحلیل و بررسی گزارش‌های سه‌گانه فردی، خانوادگی و اجتماعی حضرت زهرا (علیها السلام) که گذشت، برابند شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام) در کتب سته، هر چند شخصیتی اجتماعی و حاضر در صحنه‌های اجتماعی حتی جنگ است و به پدرش در برخی صفات مشابهت دارد، اما دارای صفات مذمومی است؛ از جمله: بی‌توجهی به نماز شب، نداشتن پوشش کامل در مقابل نامحرم، اشرافی‌گری و توجه به تشریفات از جمله: استفاده از گردن‌بند طلا و نکوهش وی توسط پیامبر ﷺ و نصب پرده‌ای زینتی و ناراحتی پیامبر ﷺ

و عصبانی شدن شوهرش از وی و خروجش از منزل. در نتیجه، ایشان هم همچون دیگر زنان مسلمان جامعه نبوی (صلی الله علیه و آله) معمولی نشان داده می‌شود؛ در حالی که در همین کتب، فضایل و مناقبی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در فضیلت و منقبت ایشان نقل شده که با برآیند شخصیت ایشان، متناسب در نمی‌آید. مناقب و فضایلی همچون: پاره وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۶۳)، بزرگ زنان مومنین (همان، ج ۵: ۲۰۸)، بزرگ زنان امت اسلام (مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۹۰۵)، بزرگ زنان بهشت (ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۵۲۰ و ۵۱۳)، بزرگ زنان همه عالم (نسائی: ۱۴۷)، وجودی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) (ابوداود، ج ۲: ۸۸۵)، از اهل پیامبر (صلی الله علیه و آله) (مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۸۷۱)، یکی از مصادیق آیه تطهیر (همان، ج ۴: ۱۸۸۳؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۱۹۲) و آیه مباحله (مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۸۷۱؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۷۱ و ۴۵۶) و شخصیتی که صلح و جنگ با او، صلح و جنگ با پیامبر (صلی الله علیه و آله) است (ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۱۵۳)؛ بنابراین، از سویی ایشان پاره‌ای از وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) بزرگ زنان مومن، این امت و بهشت، جزئی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یکی از مصادیق آیه تطهیر است. از سوی دیگر در قسمت گزارش‌های تاریخی، حضرت زهرا (علیها السلام) معرفی می‌شود که از قصد ازدواج همسرش با زن دیگری ناراحت شده و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گلایه کرده و کاری می‌کند که همسرش رنجیده خاطر از منزل خارج می‌شود و به نماز شب بی‌اعتناست. بنابراین، گزارش‌های تاریخی حضرت، با مناقب و فضایل ایشان سازگار نیست.

چگونه ممکن است از سویی این همه فضایل و مناقب برای چنین شخصیتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) صادر شود و از سوی دیگر این همه گزارش‌های تاریخی‌ای که به نوعی دربردارنده نقص و مذمت است؟ اگر شخصیت تراز اول امت اسلام، بزرگ زنان بهشت و عالم این گونه است، عملاً فضایل و مناقب زیر سوال می‌رود و تطبیق آن بر حضرت زهرا (علیها السلام) درست نخواهد بود. از سوی دیگر از آن گزارش‌ها درست است و برآیند شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام) به گونه‌ای است که گذشت، پس نقل این گونه فضایل و مناقب، چه توجیهی خواهد داشت. برای اثبات این فرضیه، تحلیل و بررسی جمله «فاطمة بضعة منی» در حق حضرت زهرا (علیها السلام) که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده، کافی است؛ زیرا از میان تفسیرهای گوناگون که از این حدیث برداشت شده، برمی‌آید که حضرت زهرا (علیها السلام) در تمامی کمالات، به جز نبوت و

رسالت، وارث کمالات نبوی است. همچنین با توجه به این روایت و دیگر روایات منعکس شده در صحاح سته، حداقل عصمت ایشان از گناه، اثبات می‌شود که با برخی گزارش‌های سیره‌ای، منافات دارد. اکنون به تحلیل و بررسی معانی مختلف «بضعة» می‌پردازیم: ۱. بعض حقیقی؛ پاره تن؛ نقد: اگر «بضعة» را به معنای حقیقی آن (پاره تن) ترجمه کنیم، دیگر فضیلتی برای ایشان نخواهد بود و شامل همه فرزندان و نوادگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهد شد و از طرف دیگر، هیچ بلاغتی در سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نخواهد بود. ۲. بعض از جسم و خون؛ فرزند (یعنی مجازاً فرزند، بخشی از جسم پدر است)؛ نقد: پیامبر (صلی الله علیه و آله) این سخن را فقط درباره حضرت فاطمه (علیها السلام) گفته‌اند و نه دیگر فرزندان؛ بنابراین از یک سخن عادی که یک پدر یا مادر به فرزند خود می‌گوید، بسیار فراتر است. ۳. بخش یا همه کمالات به جز نبوت و رسالت که این مورد، قابل اثبات است. جملات پس‌گزاره همچون «من اذاها فقد آذانی» و... موید این مطلب است. از این جملات برمی‌آید که اگر فاطمه (علیها السلام) گناه می‌کرد، مستحق اجرای حدود الهی و حداقل مستحق نکوهش و سرنش بود و در هر دو صورت، با این حدیث منافات دارد؛ زیرا اذیت او، اذیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) شمرده شده است. به عبارت دیگر، اگر فاطمه (علیها السلام) معصیت می‌کرد، اذیت او جایز بود، ولی این حدیث، بیانگر آن است که آزار و اذیت او حرام است (برای توضیح بیشتر ر.ک: روحی برندق، ۱۳۹۵: ۶۹-۹۰)؛ بنابراین، برخی گزارش‌های سیره‌ای از حضرت زهرا (علیها السلام) که در صحاح سته منعکس شده، با مفاد این حدیث، منافات دارد و قابل تأمل است.

ممکن است در اینجا اشکال شود که اساساً اهل تسنن اعتقادی به عصمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در همه زمینه‌ها ندارند، چه رسد به عصمت حضرت زهرا (علیها السلام). واقعیت این است که این سخن اگرچه سخن درستی است و تفصیل آن را به این صورت می‌توان گزارش داد که مذاهب اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن، در این مسئله اتفاق نظر دارند که پیامبران در مقام دریافت، تلقی و حفظ وحی معصوم هستند و منظور از عصمت در تلقی وحی این است که هنگام گرفتن وحی کسی نمی‌تواند خود را جای حضرت جبرئیل یا جای خدا وانمود کند و نیز در دریافت و فهم آن معصوم و مصون هستند و این مسئله مورد قبول همه مذاهب اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۸۹؛ ایجی، ۱۹۹۷: ۳۵۸؛ جرجانی، ۱۳۲۵،

ج ۸: ۲۶۳؛ ابن میثم، ۱۴۰۶ ق: ۱۲۵؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۴۲۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ ق: ۳۰۴). همچنین مذاهب اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن، در این مسئله اشتراک نظر دارند که پیامبران باید در مقام تبلیغ وحی معصوم باشند و آنچه را که به آنان رسیده بی‌کم و زیاد عرضه کنند و در آن هیچ گونه تصرفی نکنند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱: ۸۹؛ ایجی، ۱۹۹۷: ۳۵۸؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸: ۲۶۳؛ ابن میثم، ۱۴۰۶ ق: ۱۲۵؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۴۲۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ ق: ۳۰۴) به جز قاضی ابوبکر باقلانی که سهو و نسیان در مقام تبلیغ را جایز دانسته است (لاهیجی، ۱۳۸۳: ۴۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱: ۸۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۱ ق، ج ۴: ۵۰؛ مظفر، ۱۴۲۲ ق، ج ۱: ۶۰۴) و نیز نقل شده که کرامیه کذب پیامبر در مقام تبلیغ وحی را بی‌اشکال پنداشته‌اند (همان)؛ اما در مقام عمل به وحی پیامبران باید به مضامین وحی و آنچه به دیگران ابلاغ می‌کنند در عمل ملتزم باشند؛ زیرا در غیر این صورت، هدف خداوند از ارسال رسل برآورده نخواهد شد. کلیت عصمت پیامبران الهی در مقام عمل به وحی، مورد قبول علمای شیعه و اهل تسنن است، ولی در جزئیات آن اختلاف دارند که به تفصیل ذکر می‌شود:

همه فرقه‌های اسلامی معتقدند که پیامبران الهی دچار شرک نشده و عملی که متناسب با کفر و یا شرک باشد، انجام نداده‌اند. تنها عده‌ای از خوارج به نام «ازارقه» بر این عقیده‌اند که ممکن است پیامبر قبل و بعد از رسالت نیز دچار شرک شود و اعمال کفرآمیز انجام دهد (سبحانی، ۱۴۲۷ ق، ج ۵: ۱۹۷؛ ابن ابی الحدید، ج ۷: ۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۱ ق، ج ۴: ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹: ۱۱)؛ اما این سخن که برخی می‌گویند روافض و شیعه امامیه اظهار کفر از روی تقیه را برای انبیای الهی جایز دانسته‌اند (رازی، ۱۴۲۱ ق، ج ۳: ۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ۳۱۴؛ شنقیطی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۱۱۸؛ رازی، ۱۴۰۰ ق، ج ۳: ۳۲۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱: ۱۸۳؛ حیدری، ۱۴۲۶ ق: ۷)، حقیقت این است که شیعه از این نسبت مبرا است و به هیچ وجه اظهار کفر را برای انبیای الهی جایز نمی‌شمارد (شوشتری، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۲۰۷؛ سبحانی، ۱۴۲۰ ق: ۴۲-۴۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ ق: ۱۷۰). در هر حال، عده‌ای از گروه «حشویه» معتقدند که شرک انبیای الهی قبل از نبوت ممکن است (ابن ابی الحدید، ج ۷: ۹).

نیز همهٔ علمای اسلامی، اعم از شیعه و سنی معتقدند پیامبران قبل و بعد از بعثت هیچ‌گاه مرتکب گناه کبیره نمی‌شوند. «حشویه» تنها فرقه‌ای است که ارتکاب گناه کبیره توسط انبیای الهی قبل و بعد از بعثت را مغایر با عصمت نمی‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۹۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق: ۱۶۵). نیز اشاعره که اهل تسنن موجود را تشکیل می‌دهند، بر این باورند که پیامبران قبل از بعثت حتی از گناه کبیره معصوم نیستند (ایجی، ۱۹۹۷: ۳۵۹؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸: ۲۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۱۶۶).

اما در زمینهٔ گناه صغیره، شیعه همچنان معتقد است معصوم به هیچ‌وجه حتی گناه صغیره مرتکب نمی‌شود. نیز معتزله از اهل تسنن معتقدند انبیا از گناهان صغیره‌ای که مورد تنفر عموم مردم باشد، معصوم‌اند؛ اما دربارهٔ گناهان صغیره‌ای که مورد تنفر مردم نیست، برخی می‌گویند امکان دارد از انبیای الهی گناه صغیره و کوچک و جزئی و برخی می‌گویند گناه صغیره‌ای که بر اثر شبهه ارتکاب شود و برخی می‌گویند یا سهواً انجام شده باشد، صادر شود و چنین گناهان لطمه‌ای به عصمت نمی‌زند (ابن ابی الحدید، ج ۷: ۱۱-۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۸۹-۹۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق: ۱۶۵). و سرانجام در زمینه انجام عمل مکروه، یا ترک عمل مستحب، یا ترک اولی، از نظر درجهٔ تنافی با عصمت، انجام عمل مکروه با ترک عمل مستحب یکسان است، هر چند از سخن برخی برمی‌آید که درجهٔ مخالفت مکروه بالاتر از ترک مستحب است (عاملی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۳۹۱) ولی در اینکه آیا انجام مکروه با ترک اولی نیز مساوی است یا خیر؟ دیدگاه رایج این دورا همسان تلقی کرده است (طوسی، ج ۱: ۱۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹۵؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۹۰).

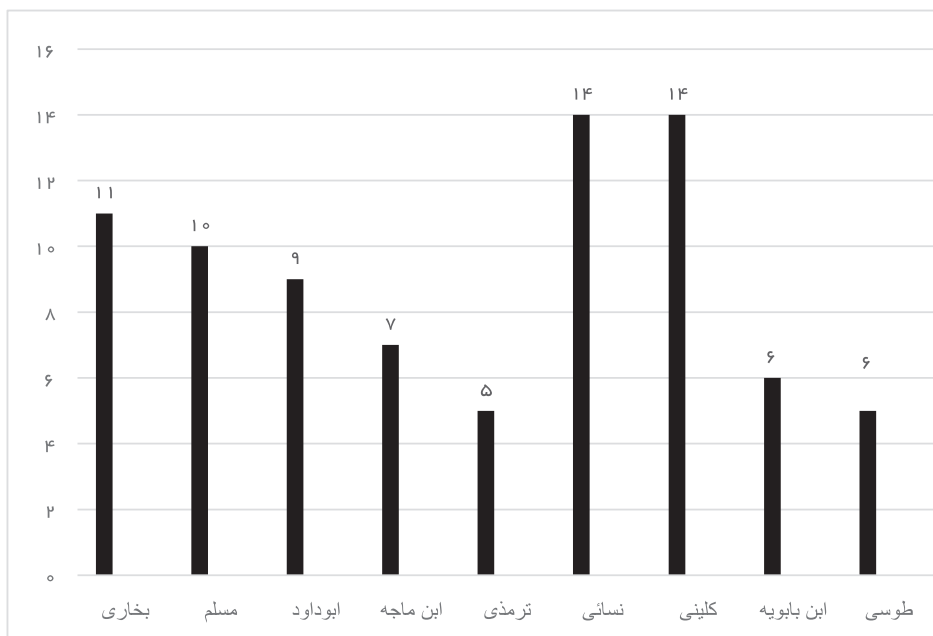
در این مقاله دربارهٔ اعتقادات و باورهای کلامی سیرهٔ عملی فاطمه زهرا (علیها السلام) مقایسه نشده است، بلکه روایات دال بر فضایل از یک‌سو و سیرهٔ عملی فاطمه زهرا (علیها السلام) از سوی دیگر مطالعه تطبیقی و مقارنه‌ای و در منابع اولیهٔ فریقین به صورت تحقیق در تمام موارد جامع آماری موردپژوهی شده است.

جدول (۱): میزان انعکاس گزارش‌های تاریخی حضرت زهرا (علیها السلام) در کتب سته و کتب اربعه

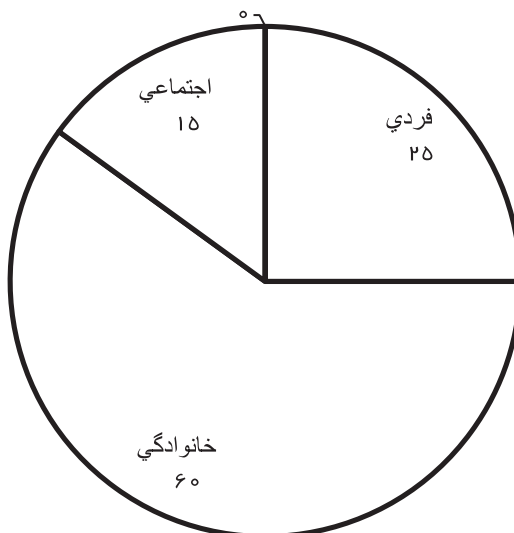
موضوع	بخاری (۲۵۶)	مسلم (۲۶۱)	ابوداود (۲۷۵)	ترمذی (۲۷۹)	نسائی (۳۰۳)	کلبی (۳۲۹)	ابن بابویه (۳۸۱)	طوسی (۴۶۰)
باری پیامبر ﷺ	+	+			+		+	
حضور در جنگ احد	+	+		+	+		+	
پیام‌رسان همسران پیامبر ﷺ	+	+			+		+	
تسلیت به بازماندگان			+		+		+	
خواستگاری خلیفه اول و دوم					+		+	+
جهیزیه				+	+		+	
مهریه			+				+	+
شب زفاف				+	+		+	
ناراحتی از قصد ازدواج امام علی (علیه السلام)	+	+	+	+			+	
ناراحتی امام علی (علیه السلام) از ایشان	+	+					+	+
ناراحتی پیامبر ﷺ از نصب پرده	+		+				+	+
بی‌توجهی به نماز شب	+	+			+		+	
شباهت به پیامبر ﷺ	+	+	+	+	+		+	+
درخواست خدمتکار	+	+	+	+	+		+	+
سرگذشت دینار گمشده			+				+	+
نهی پیامبر ﷺ از بستن گردن‌بند طلا					+		+	
پیروی از حکم پیامبر ﷺ		+	+		+		+	
نجوای پیامبر ﷺ با ایشان	+	+		+	+			
در سوگ پدر	+				+			

جدول (۲): میزان انعکاس موضوعات کلی در گزارش‌های تاریخی حضرت زهرا (علیها السلام) در کتب سته و کتب اربعه

ردیف	تک موضوعات در کتب سته	تک موضوعات در کتب اربعه	موضوع کلی گزارش‌ها
	بی‌توجهی به نماز شب	تاریخ تولد	فردی
	شباهت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)	زیارت شهیدان احد	فردی
	بستن گردن بند طلا	پوشش هنگام نماز	فردی
	پیروی از حکم پیامبر (صلی الله علیه و آله)	پیروی از حکم پیامبر (صلی الله علیه و آله)	فردی
	پوشش ظاهری در مقابل نامحرم	پوشش ظاهری در مقابل نامحرم	فردی
	واسطه بین همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ایشان	تقسیم کار در منزل	خانوادگی
	خواستگاری	آداب تولد فرزند	خانوادگی
	جهیزیه	مراقبت از فرزند	خانوادگی
	مهریه	مهریه	خانوادگی
	زفاف	زفاف	خانوادگی
	ناراحتی از قصد ازدواج امام علی (علیه السلام)	در سوگ جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)	خانوادگی
	ناراحتی امام علی (علیه السلام) از ایشان	اعطای فدک	خانوادگی
	ناراحتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ایشان	گلایه از سختی‌ها	خانوادگی
	درخواست خدمتکار	درخواست خدمتکار	خانوادگی
	سرگذشت دینار گمشده	در سوگ خواهر	خانوادگی
	نجوای پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ایشان	کراهت بر حمل امام حسین (علیه السلام)	خانوادگی
	در سوگ پدر	در سوگ پدر	خانوادگی
	یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله)		اجتماعی
	حضور در جنگ احد		اجتماعی
	تسلیت به بازماندگان میت		اجتماعی



نمودار (۱): میزان انعکاس گزارش‌های تاریخی زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) در کتب سته و کتب اربعه



نمودار (۲): میزان انعکاس موضوعات کلی در کتب سته و اربعه

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید. (بی تا). شرح نهج البلاغه. تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم. بی جا: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه. مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۴۱۲ق). الإصابة فی تمییز الصحابة. تحقیق علی محمد البجاولی. بیروت: دار الجیل.
- _____ . (۴۰۴ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد. (۴۱۰ق). الطبقات الکبری. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن ماجه، محمد بن یزید. (۴۱۸ق). السنن. محقق بشار عواد معروف. بیروت: دار الجیل.
- ابن میثم. (۴۰۶ق). قواعد المرام فی علم الکلام. قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث. (بی تا). السنن. محقق سید ابراهیم. بی جا: دار الحدیث.
- الویری، محسن. (۱۳۸۸). «فرانقش هدایتگری و سیره اجتماعی فاطمه (علیها السلام) در آمدی روش شناختی». فصلنامه شیعہ شناسی . سال هفتم. شماره ۲۸. صص: ۷-۳۰.
- انصاری، یعقوب بن ابراهیم. (بی تا). الرد علی سیر الأوزاعی. تحقیق ابو الوفا افغانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ایجی، عضدالدین. (۹۹۷). الموافق. تحقیق: عبدالرحمن عمیرة. بیروت: دار الجیل.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۴۱۰ق). صحیح البخاری. قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۴۱۹ق). سنن. محقق احمد محمد شاکر. قاهره: دار الحدیث.
- تفتازانی، سعدالدین. (۴۰۱ق). شرح المقاصد فی علم الکلام. پاکستان: دارالمعارف النعمانیة.
- جرجانی، میر سید شریف. (۱۳۲۵). شرح المواقف و یلیه حاشیة السیالکوتی والحلبی. قم: منشورات شریف رضی.
- جلیلی، رضا؛ بوالحسنی، رحمان. (۱۳۹۸). «تحلیل انتقادی، مقایسه‌ای مواجهه اهل سنت و ابن تیمیة با فضایل فاطمه زهرا (علیها السلام)». دوفصلنامه پژوهشنامه کلام. سال ۶. شماره ۱۰. صص: ۷۱-۹۶.
- حاکم نیشابوری. (۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۴۰۷ق). تاریخ الإسلام و وقایع المشاهیر والأعلام. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۴۱۳ق). سیر أعلام النبلاء. تحقیق شعیب أرنؤوط. محمدنعیم عرقسوسی. چاپ نهم. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- رازی، فخرالدین. (۴۰۰ق). المحصول فی علم الأصول. تحقیق: طه جابر فیاض العلوانی. ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
- _____ . (۴۲۱ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- رفعت، محسن. (۱۳۹۹). «تحلیل انتقادی مهریه معنوی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)». فصلنامه مطالعات قرآن وحدیث . دوره ۱۴. شماره ۲۷. صص: ۷۵-۱۰۶.

- روحی برندق، کاوس. (۱۳۹۵). «قلمرو عصمت فاطمه زهرا (علیها السلام) در حدیث «فاطمه بضعة منی»». فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی-کلامی. ش ۲۲. صص: ۶۹-۹۰.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۷ق). بحوث فی الملل والنحل. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- (۱۴۲۰ق). رسالة فی التحسین و التقبیح العقلیین. قم: موسسه امام صادق (علیه السلام).
- شنقیطی، محمد بن محمد المختار. (۱۴۱۵ق). اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن. بیروت: دارالفکر.
- شوشتری، نورالله. (۱۴۰۹ق). احقاق الحق وازهاق الباطل. قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار.
- طبرسی، امین الدین. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۳). الاستبصار. محقق حسن خراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. محقق حسن خراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود به داده‌های کیفی». اندیشه مدیریت راهبردی. سال پنجم. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۰. شماره پیاپی ۱۰. صص: ۱۵۱-۱۹۸.
- عاملی، علی بن یونس. (۱۳۸۴). الصراط المستقیم. تصحیح: محمدباقر بهبودی. بی جا: المكتبة المرتضوية.
- غروی نائینی، نوله. (۱۳۸۷). «جایگاه حضرت فاطمه (علیها السلام) در منابع اهل تسنن». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان دوره ۱۱. شماره ۴۲. صص: ۱۸۲-۱۹۹.
- فاضل مقداد. (۱۴۰۵ق). ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- لاهیجی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳). گوهر مراد. به تصحیح زین العابدین قربانی. تهران: سایه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۳۰ق). الکافی. قم: دارالحديث.
- کمالی، یحیی. (۱۳۹۷). «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی». فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۴. شماره ۲. صص: ۱۸۹-۲۰۸.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ق). الجامع الصحيح. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي. قاهره: دارالحديث.
- مظفر، محمدحسن. (۱۴۲۲ق). دلائل الصديق لنهج الحق. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). مسار الشيعة فی مختصر تواریخ الشيعة. تحقیق محمد مهدی نجف. چاپ دوم. بیروت: دارالمفید.
- مقریزی، احمد بن علی. (۱۴۲۰ق). امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نسائی، احمد بن علی. (۱۴۱۱ق). السنن الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (بی تا). المجتبی من السنن. اردن: بیت الافکار الدولیه.
- واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). المغازی. تحقیق مارسدن جونس. چاپ سوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی.